

ارامنه

فریاد عدالت خواهی

روز دوم اردیبهشت امسال، ارامنه‌ی ایران به مناسبت سالگرد کشتار ارامنه در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵، تظاهرات اعتراض آمیزی را ترتیب دادند و در آن حسن اعتراض به دولت ترکیه، خواهان اعتراف رسمی دولت آن کشور مبنی بر پذیرش مسئولیت قتل عام ارامنه و بازگرداندن ارمنستان غربی به آن کشور شدند. آنچه که «اندیشه جامعه» را بر آن داشت تا در حد بضاعت خود به این مسأله بپردازد، نه بررسی تاریخی یک ادعا که فقط انعکاس بخشی از دغدغه‌های اجتماعی - تاریخی جمعی از ملت ماست.

سیاست رسمی تبدیل شد. اما چیزی از واقعیت‌های فاجعه نکاست. در حالی که بنا به ادعای ارامنه بیش از ۱ میلیون نفر در جریان آن فاجعه به قتل رسیدند، ترک‌ها رقم را بسیار پایین‌تر ذکر می‌کنند. وقایع نويس ترک؛ صلاحی سوئیل ارقام ارائه شده توسط وقایع نگاران عثمانی را فاقد اعتبار می‌داند و با استناد به آمار و ارقام سفارت فرانسه و انگلیس که به موجب آن ارامنه‌ی ساکن ترکیه در سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۰۰، ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر ذکر شد و از این تعداد ۹۱۳ هزار نفر در آناتولی سکونت داشتند، در حین جابه‌جایی سال‌های ۱۴-۱۹۱۵، ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار نفر کشته شدند. منابع فرانسوی تلفات را نیم میلیون نفر می‌دانند.

وگرنه انسان دوست آلمانی که خود شاهد کشتار بود طی نامه‌ای به ویلسون رئیس جمهور وقت آمریکا می‌نویسد: «از ارامنه‌ای که بیش از ۲۰۰۰ سال ساکن مناطق بومی خود بوده‌اند، از تمامی اطراف و اکناف این امپراتوری از بخش‌های صحرایی مناطق کوهستانی تا سواحل دریای مرمره و سراب‌های نخلستانی جنوب، به بیابان‌های غیرمسکونی رانده شدند.

توجیه این عمل آنان نیاز به جابه‌جایی ارامنه، صرف‌نظر از هر چیز، به استهزاء گرفتن احساسات انسانی است، آنان در واقع مردان را به صورت گروهی می‌کشتند. آنان این مردان را با طناب و زنجیر به هم می‌بستند و به رودخانه می‌افکندند و یا از صخره‌های بلند به زیر پرتاب می‌کردند. زنان و کودکان را در حراجی‌ها به

پایه‌ی حقوق مدنی یکسان برای شهروندان عثمانی اعلام کرد. اما امید به روزهای بهتر چندان نپایید. در این میان قتل عام آدانا پیش آمد. و شد لکه‌ی سیاهی در پرونده‌ی ترک‌های جوان. اما فاجعه‌ی اصلی هنوز در راه بود. جنگ جهانی اول آغاز شده بود.

ترک‌های جوان، شاید با احساس خطر از وجود ارامنه‌ی هم‌کیش با دشمن در پشت جبهه و یا شاید بر اساس یک نقشه‌ی تاریخی برای محو یک ملت (آن‌گونه که ارامنه می‌گویند) در یک فرصت تاریخی، قتل عام ارامنه را در ابعادی وسیع آغاز کردند. توجیه آن‌ها، همکاری ارامنه با دشمن بود. مثلاً در ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۶ در گنجره‌ی حزب اتحاد و ترقی عنوان شد که عمده‌ای از ارامنه که شامل نمایندگان مجلس نیز بودند، به روس‌ها ملحق شدند. به گفته‌ی آن‌ها بورژوا - ناسیونالیست‌های حزب داشناک، که در پشت جبهه‌ی عثمانی‌ها بودند، با حمله به انبار مهمات و ضرب و شتم درجه‌داران، به قتل و کشتار ترک‌ها روی آوردند و به همین دلیل دولت ناچار شد آن‌ها را از مناطق جنگی دور کند. «ضیاء گوکالب» یکی از نظریه پردازان «پان تورانیزم» که عضو کمیته‌ی مرکزی حزب اتحاد و ترقی نیز بود در ماه می ۱۹۱۹ در برابر دادگاه گفت: «به ملت ما تهمت نزنید، در ترکیه کشتار ارامنه صورت نگرفته، بلکه کشتار متقابل ترک و ارمنی به وقوع پیوست. آن‌ها از پشت به ما حمله کردند و ما ناچار شدیم به ضد حمله بپردازیم».

در حقیقت این نگرش نسبت به کشتار، به

جنگ آلمان با اعمال وحشت و ویرانی در مناطق ناآشنا با جنگ همانند بلژیک صلح جو و فرانسه‌ی صنعتی آغاز شد و به زودی زخم‌های کهن از آن میان سر بر آوردند که التیام‌ناپذیر می‌نمود. در حالی که مردم بالکان آخرین امید خود به برادری را از دست داده بودند، حاکمان ترکیه در حاشیه‌ی شرقی میدان جنگ به یک تسویه‌ی تاریخی با ارمنی‌ها می‌اندیشیدند. شاید ارمنی‌ها کهن‌ترین نژادی باشند که در آسیای غربی استقرار یافته بودند. موطن آن‌ها کوه‌های پر پیچ و خمی است که از دریای مازندران تا دریای مدیترانه و سیاه‌آب دارد. قلمرو ارمن‌ها نخستین مرکز تمدن جهانی بود که مسیحیت را به عنوان مذهب ملی برگزید. ارمن‌ها استعداد تجاری یهود را در اروپای شرقی دارا بودند و در کار تولید و تجارت با مهارت عمل می‌کردند. حدود ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر (در حدود ۸٪ کل جمعیت امپراتوری) ارمنی در ترکیه زندگی می‌کردند که وضع‌شان هرگز رشک‌آور نبود. با آنان همانند نژادی تابع رفتار می‌شد. حق حمل اسلحه را نداشتند و در کشوری بی‌قانون، ترحم برانگیز می‌نمودند. با این حال حیات تجارت کشور در دست آنان بود و سهم عمده‌ای از ثروت مملکت به آن‌ها تعلق داشت.

نسخستین کشتار تاریخی ارامنه در ۱۸۹۵-۹۶ توسط سلطان عبدالحمید به وقوع پیوست. او در این کشتار، قبایل گُرد را به عنوان مبارزان «حمیدیه» به کار گرفت. پس از سرنگونی عبدالحمید در سال ۱۹۰۸، «کمیته‌ی اتحاد و پیشرفت» قانون اساسی را بر



فروش می‌رساندند، سالخورده‌گان و نوجوانان را با ضربات کشنده به کار اجباری وا می‌داشتند. ولی به این‌ها هم قانع نمی‌شدند. با دست‌ان کثیف خود، این ملت را از رهبران و سران خود محروم و در هر ساعت از روز مستقیم از رختخواب به بیرون کشانیده و نیمه برهنه به جاده‌های مرگ راندند.

کودکان یا چشمان اشک‌آلود می‌مردند، مردان خود را از صخره‌ها به پایین پرتاب می‌کردند، مادران کودکان خود را به چاه‌های آب می‌انگیزیدند. زنان آب‌سیر سره سران سره را به امواج فرات می‌سپردند، آن‌ها به هر طریقی که ممکن بود، از بین می‌رفتند. من بسیچارگانی را دیدم که مدفوع خود را می‌خوردند، زنانی را دیدم که اجساد کودکان‌شان را می‌پختند، دخترانی که بدن گرم مادران خود را می‌شکافتند تا از درون روده‌های‌شان سکه‌هایی را که از وحشت ژاندارم‌های دزد، بلعیده بودند، بیرون بکشند.

وگرنه ادامه می‌دهد که در تعقیب حوادث خونین دوره‌ی جنگ، حملات جنگی در «قره کلیسا» و «الکساندراپول» و سپس در سال ۱۹۲۱ قتل و فجایح «پامباک»، «سامون»، در سال ۱۹۲۲ آخرین دور کشتارها و آواره‌سازی‌ها در ناحیه‌ی «آنکارا» به وقوع پیوست. در این امری‌ها نیز به سرانجام غم‌انگیز «ازمیر» جایگاه خاصی را اختصاص می‌دهد. شایان ذکر است که قدمت سکونت ارمنه در «ازمیر» به بیش از هشت قرن می‌رسد. آنان عمدتاً در محلات ارمنه، کنار رودخانه و ساحل سنگی اقامت داشته‌اند و دارای چهار کلیسا و یک بیمارستان ملی بوده‌اند. ارمنه‌ی «ازمیر» نقش چشم‌گیر و قابل توجهی در زندگی اقتصادی و اجتماعی شهر داشته‌اند. صنعت‌گران، طلافروشان، چیت‌بافان، ساعت‌سازان، ابریشم‌بافان و تجار ارمنی «ازمیر» شهرت جهانی داشتند. ارمنه‌ی روستانشین اطراف «ازمیر» نیز به کار پرورش باغات و تأمین میوه‌جات مشغول بوده‌اند. «ازمیر» همچنین یکی از مراکز مهم فرهنگ و تمدن ارمنی بوده است. از نیمه‌ی دوم قرن هجدهم به بعد کتب و نشریات ارمنی زبان متعددی در «ازمیر» به چاپ رسیده‌اند. مدرسه‌ی «مسروپیان»، مدارس دیگر، مؤسسات فرهنگی و مرکز تأثر و نمایش ارمنه از شهرت خوبی برخوردار بودند. در سال ۱۹۱۵ تنها در شهر «ازمیر» شمار ارمنه به بیش از ۳۰ هزار تن بالغ می‌شد، با استفاده از فرصت

خود زهر حمل می‌کردند تا در صورت لزوم از آن بخورند. برخی برای دفن افراد، بیل و کلنگ با خود حمل می‌کردند».

«زنانی بودند که کودکانی کوچک در آغوش داشتند، یا روزهای آخر بارداری را سپری می‌کردند، با این همه همچون گله‌ای زیر تازیانه به جلو رانده شدند. به سه مورد بر خوردم که زنی در طول راه وضع حمل کرد، و به سبب بی‌رحمی گاری‌رانی که او را می‌برد، بر اثر خونریزی جان سپرد. عده‌ای از زنان چنان شکسته و درمانده بودند که نوزادان خود را در راه رها کردند».

«روز اول ژوئن ۱۹۱۵، سه‌سرت اسپاری دسته‌جمعی واپسین گروه ارمن‌ها از ناحیه انجام شد. همه‌ی دهکده‌ها و نیز سه‌چهارم شهر قبلاً تخلیه شده بود. یک گروه ۱۵ نفره‌ی ژاندارم مراقبت از کاروان ۴ تا ۵ هزار نفری را به عهده داشتند. کشیش شهر برای آنان سفر خوشی را آرزو کرد، ولی به فاصله‌ی چند ساعت پیاده‌روی، در بیرون شهر راهزنان و عده‌ای از روستاییان ترک مسلح به چوب و چماق و تفنگ آن‌ها را احاطه کردند. قتل‌عام مردان از جمله دو کشیش که یکی از آن‌ها ۹۰ ساله بود شروع شد. طی ۷-۶ روز تمام مردان بالای ۱۵ سال به قتل رسیدند».

با یادآوری کشتار ارمنه در ۸۴ سال پیش اگرچه در موقعیت کنونی نمی‌توان چیزی را تغییر داد، اما جامعه‌ی انسانی اگر بی‌تفاوت از کنار چنین فجایعی بگذرد و راه حل‌های عملی برای جلوگیری از آن به عمل نیاورد، تضمینی برای ادامه‌ی حیات انسان‌ها وجود نخواهد داشت. قتل‌های قومی رواندا، سرکوب قومی کردها، کشتار بوسنی، کشتار صرب‌ها توسط ناتو و کشتار کوزووی‌ها توسط صرب‌ها شاهد مدعای ماست. ◇

پیش آمده از جنگ‌های ترک‌ها و یونانیان که در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۲۲ در جریان بود، مقامات توطئه تمامی ساکنین ارمنی تبار از میر و حوالی این شهر را قتل عام نمودند، به طوری که در سال ۱۹۲۲ دیگر هیچ ارمنی‌ای در آن حوالی وجود نداشت.

آرنولد توین‌بی مورخ شهیر در همان سال‌های نخست پس از کشتار، برای جمع‌آوری اسناد مربوط به آن تلاشی را آغاز کرد و حاصل آن کتابی است با عنوان «کشتار یک ملت» و در بخشی از آن خاطرات شاهدان زنده و بازماندگان فاجعه را گرد آورده است: «پلیس مزاران سانه‌ی ارمن را یکی پس از دیگری ااثیه خالی کرد. جمعیتی از زنان و کودکان ترک به دنبال پلیس راه می‌افتاد و هر چه پیش دست‌شان می‌رسیده، با خود می‌برد. وقتی پلیس اشیاء گران‌بها را از خانه‌ها بیرون می‌آورد، آنان برای تصاحب اشیاء باقی مانده حجوم می‌بردند. من هر روز با چشمان خود شاهد این نمایش هستم، گمان می‌کنم تخلیه‌ی خانه‌ها چندین هفته طول بکشد و پس از آن نوبت به فروشگاه‌ها می‌رسد».

«تمام صبح، اراپه‌های مملو از زن و کودک از شهر بیرون می‌آمدند و گاه مردی فرزاری از تبعیدیان پیشین در بین آن‌ها دیده می‌شد. همه‌ی زن‌ها و دخترها لباس‌های ترکی پوشیدند تا چهره‌شان نظر اراپه‌رانان و ژاندارم‌های بی‌رحم را نگیرد... مردم مطمئن بودند که دولت مصمم است که نژاد ارمن را از پهنه‌ی گیتی براندازد، در حالی که آنان قدرت مقاومت نداشتند. می‌گفتند که مردان را می‌کشند و زنان را می‌ربایند...».

«آن‌ها معتقد بودند به جایی می‌روند که بدتر از مرگ است و بسیاری از آنان در جیب